

بنام یکتای بیهمتا

خدا با ملت ایران است

خاک ایران جای مردان خداست

نفتنامه

تقدیم بمزد خداییکه مریدش هستم

محمود والانژاد مدیر روزنامه دنیای دموکرات

بها ۲ ریال

چاپ تهران



بنام یکتای بی‌همتا

خدا با ملت ایران است

خاک ایران جای مردان خداست

نفتنامه

تقدیم بهرد خدا اینکه مریدش هستم

محمود والائزاد مدیر روزنامه دنیای دموکرات

بها ۲ ریال

چاپ تهران

اکنون دیگر بر همه ثابت گشته که لطف و خواست خداوند متعال و اراده مردم مظلوم و نجیب ایران باعث پیروزی درخشان در مقابل يك شركت استعماری و طرفداران داخلی و خارجی آن گردید
با قدرت و نفوذ بی پایان و ریشه دارشركت سابق نفت درحالیکه بتصدیق خود رئیس دولت عمال آن در همه جا وجود و نفوذ داشته‌اند معهودی مردان شرافتمند و از چنان گذشته بدون وسایل مادی موفق شدند که ملتی را تکان دادند .

پس این نیست مگر اراده و لطف خداوند مهربان .
شاك ایران همیشه جای مردان خدا بوده و من معتقدم که از برکت وجود این مردان است که در سخت ترین دقائق و لحظات تاریخی ملت ایران از بین نرفته است و انشاء الله همیشه زنده باقی خواهد بود .

در این مبارزه حیاتی و ممتانی - ملت ایران بهیچوجه طرفیت و دشمنی با ملت انگلیس نداشته و ندارد و طرف و دشمن ملت ایران و بلکه طرف و دشمن عالم بشریت يك عده معهود دزدان نابکار و خون آشام انگلیسی می باشند که هیئت مدیره و عامله شركت سابق نفت را تشکیل داده و اشخاص ناپاك و بی انصافی هم مانند خودشان در هر کجا طرفدار دارند .

دینا باید بدانند که طرف ملت ایران هیچوقت ملت انگلیس و مردمان بزرگ و شریف انگلیسی مانند شکسپیر - نیوتن - میلتن - لرد بایرن - برناردشاو - فلیمنگ - سامرست - موآم و سایر بزرگان علم و ادب نبوده بلکه يك عده معهود از رذل ترین و نابکارترین و کثیف ترین لجن عالم بشریت که حتی باعث بدنامی ملت آزادیخواه انگلیس هم شده‌اند می باشد .

طرف ملت ایران همان نابکاران هستند که برای استفاده نامشروع خودشان در حالیکه سر بازان جوان انگلیسی و آمریکائی و سایر ملل متحد دور از میهنشان میچنگند بدشمنانشان کا اوچوک و بنزین و موتور جت میفروشند و همین نابکاران هستند که آبروی دولت و ملت خودشان را هم می برند تا آنجائی که سناتور جمهوریخواه کیم در جلسه علنی مجلس سنای آمریکا گفت که :
دولت انگلیسی برای سود تجارتهی بیش از جان سر بازانی که در کره کشته میشود ندامت قائل است » (نقل از روزنامه اطلاعات ۱۳۳۰ ر ۶۲۳) .

این نایبکاران و دشمنان عالم بشریت چه ائتربیکاها کردند و چه دروغها که گفتند و چه تهمت‌ها که زدند و چه قدر سعی کردند که این نهضت بزرگ ملی را به تحریک خارجی بدینا معرفی نمایند و حتی اخیرا رادبولندن از قول روزنامه منچستر گاردین صراحتا گفت « اگر انگلیسی‌ها از آبادان خارج شوند شورویها جای آنها را خواهند گرفت » (اطلاعات ۳۰ ر ۷۴)
حالا به آنها باید گفت روی دروغگو سیاه

ضمناً لازم است توجه عموم هم میهنان عزیز را به این نکته مهم و اساسی جلب نمایم که تصور نکنند با انجام عمل خلع ید و رفتن کارشناسان انگلیسی و موفقیت فعلی در شورای امنیت دیگر کار تمام است و باید رفت و با خیال راحت خوابید - خیر و ابتدا .

نازه اول کار است - زیرا دشمن مکارو حيله باز و دزد بی انصاف باين زودی نمی تواند از میلیاردها منفعت نا مشروع صرفنظر کند و بانواع حیل و زد و بند و خیانت متوسل و متشبث می شود تا نتیجه پیروزی ملت ایران را به نفع خود تمام کند (همانطور که چرچیل در نطق خود گفت که این فتح درخشان

برای ایران گران تمام خواهد شد

هموطنان اگر ما غفلت کنیم و در موقع رسیدگی بحساب با شرکت سابق خدای ناکرده عمال کثیف و نابکارش که هنوز هم در گوشه و کنار منتظر تلافی شکست خود و اربابشان هستند موفق بشوند ما را بفلط بدهکار نشان دهند بطوری که مجبور باشیم هر چه درآمد از نفت بدست آوریم بابت بدهی موهوم بدهیم آيا قبول دارید که نتیجه پیروزی امروز ما بفتح فرمای دزدان تمام خواهد شد

هموطنان - از نوشته من تعجب نکنید آیا پنجاه سال چپاول هستی و مکیدن خون ما نتیجه غفلت ما نبود؟ پس بیدار و هشیار و متحد باشیم و البته موفق خواهیم شد همانطور که تا بحال هم موفق هستیم زیرا خدا با ملت ایران است

فشار اقتصادی - امرار وقت

صرفنظر از انواع و اقسام حيله و خدعه و آنتریک و نیرنگ و جنایت و زدوبند و بشت هم اندازی و حزب سازی و چپ و راست بازی که شرکت سابق طبق رویه همیشگی خود به آنها متوسل و متشبث میشده و خواهد شد یکی از نقشه های کشف شده اش برای اینکه ملت ایران را بزانو در آورد فشار اقتصادیست در حالیکه طبق اطلاعاتیکه از منابع موثق بدست آمده و بعداً شرح داده میشود وضع خود حریف از لحاظ فشار اقتصادی بر مراتب از وضع ما بدتر و خرابتر است و فقط اندکی صبر و تحمل از طرف ملت ایران کافیتست که نه فقط حریف بزانو در آید بلکه بغواست پروردگار بشتش بخاک برسد

در این مبارزه و مسابقه تحمل در مقابل شداید و فشار اقتصادی که از طرف دشمن نابکار با تحمیل شده بهزار و یک دلیل بردو موفقیت با ایران است زیرا مسابقه ساختن کشتی و سرعت هواپیما نیست بلکه مسابقه تحمل فشار اقتصادی بین ملت ایران با شرکت سابق استعماری نفت است و چون برای بردن هر مسابقه تمرین لازم است در این مسابقه خوشبختانه تمرین ملت ایران در تحمل شداید و فشار اقتصادی و فقر بر مراتب زیاد تر از لردان خون آشام و هیئت مدیره و عامله شرکت سابق نفت می باشد زیرا در نتیجه عمل نابکارانه خود آنها لااقل مدت پنجاه سال ملت ایران تمرین فقر و بیچارگی نموده - پس دیگر ترسیدن از فقر و بیچارگی برای ملت ایران

مورد ندارد و این مسابقه را ما از پیش برده ایم
 اخیراً روزنامه تایمز ارکان نیمه رسمی خودشان باین حقیقت مسلم اعتراف
 نموده پیش بینی هایی که در مورد سایر کشورها صیحیح در آمده است در مورد ایران
 صدق نمیکند زیرا مردم این کشور مدت های مدید است که با فشاری های اقتصادی
 خو گرفته اند و اینک نیز میتوانند به امید پیشرفت سیاسی تامدت مدیدی فشار بیشتری
 را تحمل نمایند و از میزان واردات خود و مصرف اجناس خارجی بکاهدند و به این ترتیب
 هزینه های ارزی خود را تقلیل بدهند و از اینرو اگر تصور کنیم که عدم پرداخت حقوق
 بکارگران شرکت و بانو مقررات مالی این کشور را از پای خواهد انداخت از حقیقت
 دور شده ایم زیرا فشار اقتصادی هیچگاه مردم این کشور را وادار به آن نوع اقدامات
 که کشورهای دیگر را با حوادث بفرنج روبرو میکند نخواهد نمود» (روزنامه آتش
 ۱۳۳۰٫۷٫۱۶)

برای یک مرتبه در عمرش روزنامه تایمز درست میگوید - آری ملت ایران
 چنگیزها - تیمورها دیده - قحطیها کشیده و پنجاه سال اخیر مدام در سختی و
 فقر بسر برده و دیگر از فقر و فشار اقتصادی ترسی ندارد و حتی بقول روزنامه تایمز
 می تواند برای مدت زیادی فشار اقتصادی زیادتری را هم تحمل نماید .
 اینک وضیعت طرف مقابل را هم مورد مطالعه قرار دهیم که آیا اینطور
 که تظاهر به امرار و وقت مینماید می تواند صبر کند و طاقت بیاورد .
 شاهدی صادق تر از ژنرال آیزن هاور پیدا نخواهم کرد

این ژنرال بلند مرتبه امریکائی بصداقت و صراحت لهجه مشهور است و
 خوشبختانه چون دیپلمات نیست حرف خود را صریح و بی پرده اظهار کرده است
 و برای اینکه اهمیت حرف این مرد بزرگ تاریخی خوب روشن شود باید توجه
 داشته باشیم که در جنگهای قرن بیستم و بخصوص جنگ سوم که عموم سیاستمداران
 حتمی الوقوعش می دانند تمام منابع اقتصادی و حیاتی ملل جنگنده تجهیز می شود و
 بنابراین کسیکه بفرماندهی کل قوای زمینی و هوایی و دریایی انتخاب میگردد
 ناگزیر تمام اسرار نظامی و اقتصادی و حیاتی در اختیارش می باشد مثلاً نه فقط
 تعداد قوای جنگنده و ذخیره بیرو جوان و زن و مرد و مقدار مهمات را می داند حتی
 مقدار تولید روزانه سبزی و قوطی کنسرو را هم باید بداند و چیزهای دیگر تا چه
 رسد به اطلاعات چنین فرمانده قوای راجع به نفت و بنزن و روغن که محرک تمام
 قوای بری و بحری و هوایی است و ضمناً می دانیم که تا بحال امریکا میلیاردها خرج
 کرده و بازم باید بکند و همچنین سایر دول عضویمان اتلانتیک نیز به نوبه میلیارد
 ها به پول مجای خودشان خرج کرده اند و بعد هم باید ادامه دهند و برراس تمام این
 اقدامات و عملیات در حال و آتی ژنرال آیزن هاور تعین گردیده .

هنگامی که آقای اوول هارین برای حل مسئله نفت بایران آمد یک حالت
 خوشبینی و امیدواری برای عموم حاصل شد تا حدیکه آسوشیتد پرس از پاریس از
 قول ژنرال آیزن هاور خبر زیر داد دنیا منتشر ساخت
 « پاریس آسوشیتد پرس - ژنرال آیزن هاور فرمانده کل نیروهای اتحادیه

اتلانتیک شمالی دبروز گفت تصور میکنم که حل شدن مسئله نفت ایران بزرگترین پیروزی است که پس از جنگ نصیب دول غربی شده است .

وی سپس گفت من در روزهاییکه مسئله نفت بدرجه بحرانی رسیده بود نزد خود فکر میکردم اگر واقعا نفت ایران بروی غرب قطع شود کلیه نقشه های من برای ایجاد یک نیروی مقتدر و واحد در اروپای غربی نقش بر آب میشد .

ولی از آنجاییکه دولت ایران که خود نیز از کشورهای آزاد جهان است بی به این حقیقت برده حاضر نشد که زحمات ملل دموکراتیک از بین برود . این نهار ضمننا تاکید کرد من ایران و ایرانیها را دوست دارم و شاهنشاه جوان آن کشور نزد من محبوبیت خاصی دارد و زمانیکه معظم له به امریکامسافرت کرده بود در دانشگاه کلمبیا با ایشان ملاقات کرده و کاملا مجذوب اخلاق و تواضع وی شدم و خاطر نشان کرد امیدوارم در پاییز همین سال بتوانم ضمن بازدید از کشورهای خاورمیانه از کشور ایران نیز دیدن کنم .
(روزنامه آتش ۱۶ ر ۵ ر ۱۳۳۰)

ملاحظه بفرمائید - مفهوم مخالف این حرف ژنرال این نهار که میگوید «تصور میکنم که حل شدن مسئله نفت ایران بزرگترین پیروزی است که پس از جنگ نصیب دول غربی شده»

آیا نه این است که - حل نشدن مسئله نفت ایران بزرگترین شکست خواهد بود که پس از جنگ نصیب دول غربی میشود .

کمی بعد ژنرال مزبور صریحتر اعتراف میکند «اگر واقعا نفت ایران بروی غرب قطع شود کلیه نقشه های من برای ایجاد یک نیروی مقتدر و واحد در اروپای غربی نقش بر آب میشد» و اگر نفت دیگری که در خیلی مکانهای دیگر بمقدار زیاد تری یافت میشود میتوانست بهمان زودی که جنگ سوم نزدیک است جای نفت ایران را بگیرد هیچوقت ژنرال آیزن هاور چنین بیانی را نمیکرد پس بدیهی است که نفت دیگری بزودی نمیتواند جانشین نفت ایران بشود و البته مقصود نفت خام نیست بلکه نفت تصفیه شده و بنزین است چه نفت خام را میتوان بمقدار کافی از مکانهای دیگری تهیه نمود .

بمبارت ساده تر مقصود محصولات پالایشگاه بزرگ آبادان است که ظرفیت تصفیه ۲۶ میلیون تنی آنرا دنیای غرب زود تر از ۲ سال نمیتواند با ساختن پالایشگاه های دیگر تامین نماید .

برای تایید مراتب بالا و نشان دادن اینکه طرف مقابل زیاد تر از ایران خواهان حل فوری مسئله نفت است شهادت یک مرد مشهور صلاحیت دارد دیگری را در اینجا نقل می نمایم - این مرد آقای ادکار فیلیچمان مدیر اداره تهیه نفت وزارت

دفاع امریکا میباشد - (نقل از روزنامه اطلاعات ۱۷/۵/۱۳۳۰) « دنیای باختری در برابر مسئله کمبود نفت - خبرنگاریونایتد پرس از لندن اطلاع میدهد - ادکار فیلیچمان مدیر اداره تهیه نفت وزارت دفاع امریکا دبروز گفت - سابقا که بالایشده آبادان هنوز تعطیل نشده بود روزانه ۶۰ هزار چلیک نفت تصفیه شده و ۱۵۰ هزار چلیک نفت خام از ایران بفرز حمل میگردید که اکنون متاسفانه دیگر این مقدار نفت بفرز حمل نمیگردد و دبریا زود مشکلات فراوانی تولید خواهد کرد.

فیچمان علاوه کرد حتی شرکت های بزرگ نفت امریکا نخواهند توانست کمبود نفت ایران را در مدت کمتر از ۲ یا ۳ سال جبران کنند چون پالشگاهی که ظرفیت و میزان تولید پالشگاه آبادان را داشته باشد در دنیا موجود نیست»
خبر بالا شایان توجه است زیرا حرف یک مرد صلاحیتدار میباشد و حرف کهنه

کار ما با نهایت جدیت شب و روز مشغول است که تا دو سال دیگر در تقاط مختلفه دنیا پالیشگاههای متعدد دایر نماید تا رفع احتیاجش از پالیشگاه آبادان بشود.

باز هم یک شهادت دیگر - این مرتبه از قول یک مرد مطلع و وارد یعنی رئیس سابق شرکت نفت استاندار داویل آقای سناتور رابرت براون عضو حزب دموکرات امریکا - (نقل از روزنامه آتش ۲۲/۵/۳۰) در همان زمانی که همه مسئله نفت ایران را با وساطت آقای آدرل هارین حل شده میدانستند - « پلین ویل - خبرگزاری فرانسه - دیروز سناتور رابرت براون عضو حزب دموکرات امریکا و رئیس سابق شرکت نفت استاندار داویل کمپانی در جلسه ای که از طرف هیئت مدیره شرکت نفت استاندار تشکیل شده بود گفت با حل مسئله نفت ایران یکی از بزرگترین مشکلاتی که کمپانی های نفت امریکا با آن مواجه بودند رفع می گردد - اگر مسئله نفت ایران حل نمیشد کمپانیهای نفت امریکا مجبور بودند که ۶۰ درصد از احتیاجات نفتی تمام اروپای غربی را تامین کنند -

کمبود نفت در امریکا اکنون کاملاً محسوس است و خود دولت امریکا باید برای رفع احتیاجات خود نفت از خارجه تهیه کند و اگر نفت ایران نیز بروی اروپای غربی قطع میشود بر نامه دفاعی اتحاد اتلانتیک شمالی تا ۵۰ سال دیگر اجرا نمیگردد»
حالا به بینیم آقای فیلیپ نول بیسکر وزیر سوخت و نیروی برق انگلستان چه می گوید .

(نقل از روزنامه آتش ۱۶/۵/۳۰) « لندن - مستر فیلیپ نول بیسکر وزیر سوخت و نیروی برق انگلستان دیروز ب خبرنگاران گفت تا هفته دیگر اگر پالیشگاه آبادان مجدداً مشغول کار نشود ذخیره بنزین هوایی انگلستان بکلی تمام شده و هواپیماهای نظامی و کشوری از کار خواهند افتاد .

وی سپس گفت علاوه بر این که این امر تأثیر زیادی در اقتصادیات و برنامه های نظامی و دفاع انگلستان خواهد داشت ۸۰۰ هوابیمای واحد چهارم و ششم هفتم و یازدهم نیروی هوایی آمریکا که اکنون در انگلستان می باشند نیز بکلی از کار می افتند.

مستر نول پیکر ضمناً علاوه کرد که دولت انگلیس در این خصوص با دولت آمریکا تماس گرفته و قرارداد شده است که دولت امریکا در صورت امکان یک میلیون تن بنزین هواپیما با انگلستان حمل کند تا اینکه بالشکاه آبادان مجدداً مشغول کار شود. ضرری ندارد از نظر کشورهای متحد المنافع انگلستان نیز اطلاع حاصل شود. (روزنامه آتش ۱۷ و ۲۰ ر ۳۳) «وزیر خارجه استرالیا می گوید - اگر بالشکاه آبادان برای ابد تعطیل شود بدون شك نیروی هوایی شوروی در چنگ آینده بر نیروی هوایی دول غربی تفوق پیدا میکند

سنکابور - آسوشیتد پرس - ریچارد کیس وزیر امور خارجه استرالیا دیروز گفت مسئله نفت ایران مهمتر از مسئله کره ویا پیمان پنجگانه می باشد و دولتهای بزرگ غربی بخصوص آمریکا و انگلیس باید هر چه زودتر این مسئله بحرانی را بر طرف سازند...»

(روزنامه اطلاعات ۲۶ و ۲۷ ر ۲۰) «خبرنگار آسوشیتد پرس از کاپ در افریقای جنوبی اطلاع میدهد - اریک لاور - وزیر اقتصاد دولت افریقای جنوبی که قرارداد است برای شرکت در کنفرانس تهیه مواد اولیه کشورهای کامنولت در ماه سپتامبر آینده بلندن عزیمت کند دیروز گفت - قضیه نفت ایران ما را دچار زحمت کرده و دیروز مشکلات اقتصادی گریبان گیر کشورهای کامنولت میشود - اکنون نه تنها انگلستان بلکه استرالیا - زولاند جدید و افریقای جنوبی با کمبود نفت مواجه شده اند و معلوم نیست عاقبت کار نفت ایران بکیا خواهد کشید...»
روزنامه اسکاتزین هم اطلاعات خوبی از وضع مضیقهایکه صنایع انگلیس در نتیجه کمبود نفت دچار شده اند میدهد.

(نقل از روزنامه اطلاعات ۲۶ و ۳۰ ر ۳۰) «کارخانجات تعطیل می شوند - روزنامه اسکاتزین مینویسد - بر اثر تعطیل شدن نفت ایران صنایع انگلستان یکی پس از دیگری تعطیل می شود فقط دوز قبل يك شرکت حمل و نقل بزرگ موسوم به هال ترانسپورت کورپوریشن که صاحب کامیونهای بزرگ است بعلت نداشتن بنزین کافی و روغن دیزل بکلی تعطیل شد -

در لندن نیز چند کارخانه بزرگ منجمله کارخانه بسرق نیوتن - که برق قسمت شمال غربی لندن را تامین میکنند تعطیل شده است و اگر وضع اینطور ادامه یابد ممکن است در حدود پنجاه درصد از کلیه صنایع انگلستان تا مدت سه ماه دیگر تعطیل شود»

اظهارات معاون وزارت سوخت آمریکا هم خواندنیست - نقل از روزنامه آتش ۲۷ و ۳۰ ر ۳۰ - واشنگتن - یونایتد پرس - بروس براون معاون کل وزارت

ساخت دولت امریکا دیروز اظهار کرد اگر کمبود ۶۰ هزار جلیک نفت ایران در روز جبران نشود اقتصادیات و برنامه دفاعی کشور های غربی بکلی مختل خواهد شد وی سپس تأیید کرد دولت امریکا حاضر است در ترقی میزان تولیدات نفت کشورهای مختلف جهان که در آنجا کمپانی های نفتی آمریکا مشغول بهره برداری هستند کمک های موتوری بکنند و هم اکنون مشغول مطالعه است که چگونه تولید نفت عربستان سعودی و بحرین را بالا ببرد .

براون سپس گفت عربستان از لحاظ تولید از ایران جلو افتاده است و محصول نفت به ۳۵ میلیون تن رسیده و احتمال قوی می رود که تا پایان سال ۱۹۹۵ میزان تولید آن کشور در سال به ۵۰ میلیون تن برسد .

شرکت نفت آرامکو اکنون روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت به اروپای غربی - میدهد - ۳۶۰ هزار بشکه دیگر که مورد لزوم کشور های آن سر زمین است از منابع آمریکا تأمین میگردد بنا بر این که بود نفت ایران در حال حاضر ممکن است انری در اقتصادیات آن سامان نداشته باشد ولی بعد ابر اثر کاهش ذخائر نفتی امریکا ممکن است امریکا نتواند مقدار زیادی نفت بانگلستان و یافرانسه بدهد و در این وقت است که باید کمپانی های نفت جهان در فکر چاره باشند .

براون در پایان تأکید کرد که امریکا اکنون در هر ماه ۳۰ میلیون تن نفت وارد میکند و روز بروز این میزان بالامی رود و بالاخره روزی خواهد رسید که دیگر امریکا نتواند حتی یک قطره نفت بکشور های اروپای غربی بدهد و تأکید نمود امید وارم مسئله نفت ایران حل شده و مشکلات فعلی را بر طرف سازد »

شهادت دیگر - (روزنامه آتش ۲۷ ر ۳۰) « کمبود محصول پولاد در انگلستان - آسوشیتد پرس - وزارت معادن انگلستان دیروز رسماً اعلام کرد که بر اثر نرسیدن نفت ایران به انگلستان محصول پولاد ماه ژوئیه ۱۳۳۳ میلیون تن یعنی یک میلیون تن کمتر از ماه قبل بوده است و احتمال می رود که محصول ماه اوت از ده میلیون تن تجاوز نکند

شصت در صد از دستگاه های صنایع پولاد انگلستان با نقت ایران فعالیت میگردند)

شهادت دیگر - (روزنامه اطلاعات ۲۲ ر ۳۰) جیره بندی روغن دیزل - خبرنگار آسوشیتد پرس از لندن اطلاع میدهد وزارت سوخت و نیروی انگلستان - دیروز رسماً اعلام کرد روغن ماشینی - گاز ویل و روغن دیزل (دیزل اویل) در سر تاسر انگلستان بطور جیره بندی توزیع خواهد شد .

این جیره بندی از تاریخ اول ماه سپتامبر شروع می شود - اکنون در انگلستان غیر از بنزین اتومبیل - نفت و کلیه مواد نفتی دیگر جیره بندی شده است »
احتمال قوی می رود در کلیه کشورهای کامنولت نفت و سایر مواد نفتی جیره بندی شود »

شهادت دیگر - (روزنامه اطلاعات ۲۴ ر ۳۰) « گزارش خبرگزاری فرانسه حاکیست که مستر کلینت اتلی نخست وزیر انگلستان دیروز با هوک کیتسکلر

وزیر دارائی و عده‌ای از کارشناسان عالی رتبه نفتی و اقتصادی مدتی در بساره قضایای مربوط به نفت ایران مذاکره نمود.

در این جلسه فیلیپ نوئل پیکر وزیر سوخت و نیروی برق نیز حضور داشت در جلسه مزبور مسئله نفت ایران و لزوم تجدید مذاکرات بین انگلیس و ایران برای تامین احتیاجات نفتی این کشور از طرف اتسلی تاکید شده است

کیتسکل نیز تصریح کرده که در شش ماه اخیر وضع مالی انگلستان بر اثر قطع شدن نفت ایران مختل شده و **امسال خزانة انگلستان از ۹۰ میلیون لیره در آمد نفت محروم خواهد شد**

پیکر نیز طی گزارش هفتگی خود راجع بوضع ذخائر نفت و سایر مواد نفتی گفت غیر از نفت سیاه کمبود سایر مواد نفتی در این کشور بسیار محسوس است و ذخیره کربس تا ۴ روز دیگر تمام خواهد شد

پس از این جلسه اتسلی مدتی با مورسین که در نروژ است تلفنی صحبت کرده و احتمال می‌رود وی قبل از موعد معین بلندن مراجعت کند.

ضمناً سروصدای روزنامه های انگلستان به اعتراض بلند شده مثل روزنامه فایننا نشل تایمز می‌نویسد. (روزنامه اطلاعات ۶-۶-۱۳۳۰) «خسارات کمرشکن - روزنامه فایننا نشل تایمز مینویسد تاثیر قطع شدن نفت ایران بر اقتصادیات انگلستان بسیار زیاد است.

ولی وزیر دارائی انگلیس و همچنین وزیر اقتصاد ملی حاضر نیستند آمار صحیح را در اختیار مردم بگذارند تا آنجائیکه ما اطلاع داریم خزانة داری انگلیس امسال از ۹۰ میلیون لیره محروم خواهد شد.

ضمناً انگلستان مجبور است نفت خود را بدلا از امریکا بخرد و ۱۲۰ میلیون لیره (۳۵۰ میلیون دلار) باید در این راه خرج کند.

این هزینه کمرشکن اقتصادیات انگلیس را فلج کرده و بر نامه دفاعی این کشور را بلا اجرا خواهد گذاشت.

وزیر سوخت و نیروی انگلیس و همچنین دولت انگلیس دائماً میگویند که کمبود نفت ایران از سایر منابع تامین شده است حال آنکه این ادعاه مقرون بحقیقت نباشد و ۳۲ میلیون تن نفت خام از هیچ منبعی تامین نمیشود و هیچ پالایشگاهی وجود ندارد که سالیانه ۲۵ میلیون تن نفت تصفیه کند.

با در نظر گرفتن بودجه تسلیحاتی انگلستان که در ظرف ۳ سال بایستی هرج شود و بالغ بر چهار میلیارد و ۷۰۰ میلیون لیره است محروم شدن از نفت مجانی ایران و خرید نفت با دلار آنهم نقدا البته خیلی سخت است. حالاً به ببینیم وضع بشاههای مسافربری هوایی و بنگاههای کشتی رانی با کمبود نفت و بنزین چگونه است.

(روزنامه اطلاعات ۶-۶-۱۳۳۰) «خبرنگار یونایتد پرس از لندن گزارش میدهد که شرکتهای هواپیمائی انگلیس که هواپیماهای آنها دائماً بین غرب استرالیا و خاور دور پرواز میکنند از این که بالشکاه آبادان دیگر برای مدت زیادی

تعطیل خواهد بود اظهار نگرانی زیاد میکنند
وضع سوخت هواپیما در انگلستان و در کلیه کشورهای که هواپیماها بین
انگلستان و خاور دور در آنجا سوخت می گرفتند خراب شده و مشکلات فراوانی
را تولید کرده است.

سرمایلز توماس رئیس شرکت هواپیمائی ماوراء دریا
های انگلیس دیروز اخطار کرد اگر وضع فعلی بهبود
نیابد پروازهای هواپیماها باسقرالیا و خاور دور کاملاً
قطع خواهد شد سرویس هواپیما های این شرکت که هفته ای
دو بار فقط مشغول حمل پست و محمولات بسنگاپور بود بعثت
کمبود بنزین هواپیما بکلی تعطیل شده است.
یک سرویس دیگر هوائی که مامور حمل مسافر به هنگ
کنگ بود از دیروز تعطیل شد و دولت انگلیس نیز از دیروز
جیره بندی بنزین هواپیما را شدیدتر کرد.

کمیابی بنزین هواپیما در پاکستان و هندوستان بسیار شدید
و محسوس است و این دو دولت بهیچ وجه نمی توانند این
کمیابی را جبران کنند.

دولت هند پرواز کلیه هواپیما های آن کشور را در داخله
دندوستان تعطیل کرده است تا ذخائر سوخت هواپیما را حفظ
کند و با وجود این ذخائر فقط برای احتیاجات چند هفته آن کشور
کافی می باشد.

کمبود سوخت کشتیها نیز از یک هفته پیش شدت یافته و دولتهای
برمه -- هنگ کنگ -- سیلان -- سنگاپور -- پاکستان و هندوستان
سوخت کشتیها را از دیروز جیره بندی کرده اند

سابقاً کشتیهای باری سوخت خود را از عدن تامین می کردند ولی چون
انبارهای سوخت این بندر بر اثر تعطیل شدن پالشگاه آبادان خالی شده اند دولت
انگلیس به کشتیهای باری دستور داده است که سوخت خود را بعد کافی از بندر
طنجه و ستوتا واقع در مراکش اسپانیا تامین کنند.

احتمال می رود کلیه سرویس های هوائی و دریائی بین
اروپا و خاور دور بر اثر تعطیل شدن پالشگاه آبادان قطع
شوند. « اطلاعات ۳۰.۶.۱۲ »

شهادت یک کمپانی اتومبیل سازی انگلیسی « لندن - یونایتد پرس -
دیروز سخنگوی کمپانی اتومبیل سازی (واکسهال) انگلستان گفت بحران نفت
ایران باعث شده که لطمه زیادی به تولید این کمپانی وارد آید

— وی سپس گفت این کمپانی در حدود ۸۰۰ هزار تن نفت و سایر مواد نفتی مصرف می کند که بر اثر تعطیل شدن بالشگاه آبادان این میزان اکنون کاملاً تقلیل یافته و به ۳۰۰ هزار تن رسیده است و اگر وضع اینطور ادامه یابد امسال تولید کمپانی واکسهال ۵۰ هزار اتومبیل کمتر از سال گذشته خواهد بود» یک شهادت خوب دیگر از قول یک مرد صلاحیت دار دیگر یعنی آقای رالف والیس مدیر شرکت نفت کالیفرنیا — (روزنامه اطلاعات ۳۰ ر ۱۳ ۳۰ ر ۱۳) «آمریکا هم نمیتواند جای نفت ایران را بگیرد —

نیویورک — روزنامه نیویورک هراالدترین مصاحبه خبرنگار خود را با رالف والیس مدیر شرکت نفت کالیفرنیا انتشار داده است — والیس اخیراً مسافرتی بقاره آسیا نموده و تا اندونزی هم رفته است — محافل وابسته بشرکتهای نفت آمریکا این مسافرت را با اهمیت زیاد مینگرند .

والیس در این مصاحبه در پاسخ پرسش خبرنگار روزنامه که برسیدبقیه شما اگر مذاکرات ایران و انگلیس کاملاً قطع شده و ممالک غربی بطور قطع و نهائی از دریافت نفت ایران محروم شوند این پیش آمد چه تأثیری در وضع اقتصادی و صنعتی ممالک غربی اروپا خواهد نمود اظهار داشت :

اگر ممالک غربی از دریافت نفت ایران که روزانه در حدود ۷۰۰ هزار چلیک بود (شش درصد از کلیه محصول نفت دنیا) محروم شوند بدون تردید قسمت زیادی از دستگاههای صنعتی و نیز ناوگان بازرگانی و وسایل حمل و نقل هوائی ممالک مزبور از کار میافتند .

راست است که شرکت های نفت آمریکا حاضر شده اند در صورتی که ضرورت قطعی ایجاب کند روزانه چهارصد هزار چلیک نفت اضافه بر آنچه سابقاً استخراج میکردند استخراج و باروبای غربی بفروشند ولی اولاً این مقدار نفت برای مصرف ممالک مزبور کافی نیست و جای نفت ایران را کاملاً پر نمیکند

ثانیاً ممالک مزبور بایستی در مقابل دریافت این مقدار هنگفت نفت دلار بپردازند — در صورتیکه ممالک مزبور از لحاظ تهیه دلار در مضیقه شدید هستند حتی انگلستان با آنکه وضع اقتصادی او از سایر کشورهای اروپای غربی بهتر است هرگز نمیتواند دلار لازم برای خرید نفت را تأمین کند

ولی دستگاه استخراج و تصفیه نفت آمریکا نمی تواند تولید را آقدر توسعه دهد که جای نفت ایران را بگیرد و سالی سی میلیون مواد نفتی تصفیه شده اضافه بر میزان عادی فعلی اروپا بفروشد والیس گفت تنها نقطه ای که فعلاً امید اروپای غربی را بخود متوجه ساخته است کشور کانادا است که ذخایر نفت سرشاری دارد و در صورتیکه از حالا دست بکار شوند تا هشت یا ده سال دیگر البته با صرف صد ها میلیون دلار مخارج کشور مزبور خواهد توانست نفت مصرف اروپای غربی را تهیه کند بطوریکه جای نفت ایران را بگیرد .»

در هر حال طبق مدارك بالا ثابت و مسلم است که تا دو سال دیگر هیچ پالایشگاه موجودی نمی تواند کمبود مقدار ۲۷ میلیون تن ظرفیت تولیدی پالایشگاه آبادان را جبران نماید و به همین جهت شرکت سابق شروع به تکمیل پالایشگاههای موجود و ساختن پالایشگاههای جدید نموده که تا دو سال دیگر رفع احتیاج از پالایشگاه آبادان بنماید و ملت ایران از همین فرصت بایستی استفاده کند .

البته جناب آقای دکتر مصدق هم متوجه این احتیاج مہرم و قطعی و فوری دنیای غرب به فر آورده های پالایشگاه آبادان بوده که در جلسه علنی فوق العاده مجلس سنا مورخه ۴ شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۳۰ ضمن گزارش مفصل و مشروح خود گفتند «ولی توضیح و تاکید این نکته را لازم میدانم خواه این دولت بر سر کار باشد و خواه دولت دیگری مسئول امور بشود بهر حال و تازمانی که موضوع غرامات و دعاوی احتمالی کمپانی سابق نفت و دعاوی و مطالبات دولت ایران از کمپانی مزبور حل نشده و شرایط آن معین نگردیده صدور نفت از کشور باید ممنوع باشد زیرا چنانچه دولت ایران بیک توافق موقت تن در دهد و صدور نفت بدون آن که مسئله غرامات حل شده باشد مجاز شود ممکن است میزان غرامات و خسارات احتمالی شرکت سابق نفت و شرایط پرداخت آن را بجائی برسانند که هیچوقت ملت ایران نتواند از زیر بار سنگین آن کمر راست کند» .

چنانچه می بینیم جناب آقای دکتر مصدق کاملا متوجه اهمیت فوق العاده پالایشگاه آبادان میباشد و میدانند احتیاج مہرم و فوری دولت انگلیس و سایر مصرف کنندگان غربی ریش کروی بسیار خوب و گرانبهای میباشد زیرا پس از ۲ سال دیگر که مصرف کنندگان احتیاجات نفت تصفیه شده و بخصوص بنزین هواپیمائی را از پالایشگاههای جدیدی که در گوشه و کنار اروپای غربی در دست ساختمان است توانستند تأمین نمایند دیگر تصفیه خانه آبادان فقط برای تصفیه نفت و بنزین مصرفی خود ایران و افغانستان مفید خواهد بود آنهم برای مصرف یک تانک میلیون و پانصد هزار تن و بقیه ظرفیت تولیدی پالایشگاه آبادان تا مقدار ۲۷ میلیون تن را کدو آهن آلاتی بیش نیست .

طبق اخبار خبر گزاریهای دنیا در انگلستان پالایشگاههای جدید میسازند و حتی یکی را اخیراً افتتاح کردند و در هفدهم شروع کرده اند و در فرانسه و آلمان و حتی عراق نیز دست بکار شده اند .

با توجه به مراتب بالا این سؤال پیش می آید - در صورتیکه تا دو سال دیگر پالایشگاههای متعددی برای رفع احتیاج مصرف کنندگان محصولات پالایشگاه آبادان ساخته شود دیگر نفت تصفیه شده و بنزین از آبادان خریداری نخواهد شد - پس چرا ملت ایران باید تعهد پرداخت خسارت و بهاء چیزی بیکه بی مصرف خواهد شد بنماید دیگر چرا ملت ایران برای پالایشگاهی که محکوم به نابود است تعهد پرداخت غرامت بنماید .

در هر حال اگر دولت ایران تعهد پرداخت ۲۵ درصد از عایدات خود را بابت غرامت

بنماید و یا ۵۰ در صد از بهاء نفت مصرفی دولت انگلیس را بابت استهلاك غرامت محسوب دارد چنانچه در آخر سال دوم دولت انگلیس و سایر مصرف کنندگان بگویند ما دیگر نفت تصفیه شده نمی خواهیم و فقط نفت خام احتیاج داریم - تکلیف چیست و وضعیت پالایشگاه آبادان چه میشود و چه باید کرد؟

اینجاست که بایستی کاملاً بیدار و هشیار بود و بعقیده اینجانب دوکار بایستی کرد.

۱ - هنگام رسیدگی بحسابها کاملاً دقت نمود و بخصوص دارایی شرکت سابق را آنچه در خارج دارد مورد توجه و رسیدگی قرارداد از قرائم معلوم ارزش تاسیسات خارج از ایران شرکت سابق يك برابر و نیم ارزش تاسیساتش در ایران است .

(روزنامه اطلاعات ۳۰ ر ۷۷۷) « ترقی بورس سهام نفت - آسوشیتد پرس از لندن اطلاع میدهد دیروز و امروز بر اثر اقدام اخیر دولت انگلیس دایر بر ارجاع مسئله نفت ایران بشورای امنیت سازمان ملل متحد سهام شرکت (سابق) نفت انگلیس و ایران در بورس لندن ۳ پنس ترقی کرد و بازار آن تقریباً از رکود درآمده بود .

خرید و فروش این سهام فعلاً بیشتر روی پشتوانه تاسیسات نفت شرکت در انگلستان و کشتی های نفت کش صورت میگیرد و شرکت اعلام نموده است که بهای این تاسیسات و کشتی های نفت کش يك و نیم برابر بهای تاسیسات شرکت در ایران است »

بنابر این علاوه بر دیون مسلم و قطعی شرکت سابق بدولت ایران و انواع کلاهسازیهائی که در سابق کرده چون تاسیسات خارج تماماً در دست خودش میباشد و بها آنها هم به اقرار خودش يك برابر و نیم تمام تاسیسات داخل ایران است لذا دولت ایران هیچگونه بدهی و تعهدی نخواهد داشت که مجبور باشد ۲۵ درصد از عواید را در یکی از بانکها تودیع نماید و یا ۵۰ درصد از بهاء نفت مصرفی انگلیس را مجاناً تامین نماید بلکه بایستی تعهد و تضمین هم برای مطالباتش بگیرد

۲ - پس از رسیدگی بحسابها و روشن شدن موضوع غرامت واهی در موافقت نامه ای که بامضاء طرفین میرسد دولت ایران تعهد صریح و روشن و تضمین بانکی بی غل و غش بگیرد که دولت انگلیس برای مصرف خود و کشورهای متحد - المنافعش و صرف کنندگانیکه نمایندگی خرید را به او داده و از طرف آنها موافقت نامه را امضاء مینماید متعهد و ملتزم باشد که تا مدت لا اقل ۲۰ سال نفت تصفیه شده و بنزین از ایران خریداری نماید.

اگر چنین تعهدی گرفته نشود و کروی طرف که فعلاً احتیاج ضروری و مبرم او و سایر مصرف کنندگان محصولات نفتی به پالایشگاه آبادان می باشد از دست دولت ایران در برود و صدور محصولات پالایشگاه آبادان آزاد شود و در آخر

۴ سال بگویند مادبگر احتیاجی به نفت تصفیه شده و بنزین نداریم و فقط خریدار نفت خام هستیم.

تکلیف چیست وجه کسی جبران این ضرر بزرگ را خواهد نمود و باپالا پشگاه بزرگ و بی مصرف آبادان چکار باید کرد.

پس تا وضعیت چنین است باید با گرفتن تعهد و تضمین کافی آتیه پالا پشگاه آبادان را تامین نمایم و در غیر اینصورت خیانت بزرگی به قیام مقدس ملی شده و نتیجه بیروزی درخشان ملت ایران به نفع یغماگران سابق تمام خواهد شد.

راجع به میزان دارائی خارج از ایران شرکت سابق شرح مفید و جامعی را که که جناب آقای دکتر پیرنیا در روزنامه اطلاعات نوشته اند باطلاع خوانندگان محترم می‌رساند (روزنامه اطلاعات ۲۹ تیرماه ۱۳۳۰)

نگارش آقای دکتر حسین پیرنیا

تشکیلات و تأسیسات خارج از ایران

منظور اصلی از تحریر این مقاله توضیح و اثبات این نکته مهم است که با وجود حقوقی که ایران در تشکیلات و تأسیسات شرکت سابق در خارج از ایران دارا می‌باشد تودیع ۲۵ در صد سود ویژه شرکت نفت ملی ایران بیانگ مرضی الطرفین بر تریبی که در ماده ۲ قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت پیش بینی شده است بدون در نظر گرفتن سهم دولت از سود تأسیسات خارج از ایران نه تنها لازم و ضروری نیست بلکه ارفاق زائدی میباشد.

اثبات این نکته منظور اساسی اینجانب در تهیه این مقاله است ولی علاوه بر آن چون در مقالات و سخنرانی‌هایی که راجع به شرکت سابق نفت منتشر شده است غالباً اشاره به تأسیسات و تشکیلات خارج از ایران شرکت سابق شده است بی‌فایده نمی‌بینم که اطلاعات دقیق و جامع باین تشکیلات و وضعیت فعلی آنها و طرز بوجود آمدن آنها در دسترس هموطنان محترم قرار گیرد.

برای این منظور لازم است تاریخچه تشکیلات شرکت سابق را بطور خلاصه در اینجا متذکر شوم.

پس از اینکه در سال ۱۹۰۱ امتیازی برای بهره برداری از منابع نفتی ایران به داری اعطاء شد نامبرده برای بهره برداری از امتیاز خود شرکتی بنام شرکت استخراج اولیه تشکیل داد که عمل آن فقط استخراج نفت در قسمتی از خاک ایران بود ولی همینکه در سال ۱۹۰۸ اولین چاه در مسجد سلیمان به نفت رسید شرکت تابعه دیگری برای استخراج نفت در این قسمت از خاک ایران بنام شرکت «نفت بختیاری» تشکیل شد و بعد از سال ۱۹۱۱ برای تهیه سرمایه کافی بمنظور تأسیسات لازم برای استخراج و تصفیه و توزیع شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران محدود برای استفاده از امتیاز داری تشکیل گردید که مالک سهام دو شرکتی که در بالا بیان شد نیز بود و در سال ۱۹۱۴ دولت انگلیس اکثریت سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را اکتیاب نمود.

بدین ترتیب سازمان شرکت سابق بصورت فعلی از سال ۱۹۱۴ شروع میشود .
 از سال ۱۹۱۱ که بهره برداری از منابع نفتی ایران بطریق بازرگانی
 شروع شد شرکت مزبور برای توزیع و فروش نفت استخراجی شروع بایجاد
 تاسیساتی در خارج از ایران نمود که اهمیت آنها روز بروز افزایش یافت و
 علاوه بر آن برای استخراج نفت در بعضی از کشورها مانند عراق و کویت و غیره
 امتیازاتی تحصیل کرد و قسمت عمده عواید خود را از یک طرف برای آماده کردن
 امتیازات جدید بمنظور بهره برداری و از طرف دیگر برای توسعه تشکیلات
 توزیع و فروش مصرف نمود .

در جدول زیر صورت کلیه شرکت ها نمیکه از آن تاریخ تا کنون بوسیله
 شرکت سابق خارج از کشور ایران تاسیس شده است بترتیب تاریخ تاسیس
 درج گردیده :

صورت جامع شرکت های تابعه وابسته و شرکت سابق نفت
 انگلیس و ایران را در جدول مقابل ملاحظه فرمائید

صورت جامع شرکتهای تابعه وابسته شرکت سابق نفت انگلیس و ایران

میزان سهم شرکت سابق نفت انگلیس و ایران
۹۳ درصد (نود و سه درصد)

نوع و حوزه عملیات	تاریخ تاسیس	نام شرکت
استخراج نفت در ایران	۱۹۰۳	شرکت استخراج اولیه
توزیع مواد نفتی در سوئیس	۱۹۰۹	شرکت بنزین و نفت
استخراج و تصفیه نفت در کنار دریای ادریس	۱۹۱۱	معادن نفت انگلیس و مصر
استخراج و توزیع مواد نفتی در عراق	۱۹۱۱	نفت عراق
تهیه و توزیع مواد نفتی سواحل	۱۹۱۴	استخراج دارسی
حمل و نقل مواد نفتی کلیه نقاط جهان	۱۹۱۵	کشتیهای نفتکش بریتانیا
توزیع نفت اتریش	۱۹۱۵	واردات نفت اتریش
تصفیه مواد نفتی انگلستان	۱۹۱۷	تصفیه خانههای ملی
تصفیه نفت اسکاتلند	۱۹۱۹	نفت اسکاتلند
تصفیه و توزیع استرالیا	۱۹۲۰	تصفیه خانههای کامانولت
توزیع مواد نفتی در هندوستان	۱۹۲۰	نفت انگلیس و ایران در هند
واردات و توزیع مواد نفتی در بلژیک	۱۹۲۰	نفت انگلیس و بلژیک
تصفیه و توزیع نفت در فرانسه و اروپا	۱۹۲۱	عمومی روغن نفت
توزیع مواد نفتی در استرالیا	۱۹۲۵	نفت انگلیس و ایران در استرالیا
استخراج نفت در عراق	۱۹۲۵	نفت خاقین
توزیع روغن موتور در انگلستان	۱۹۲۸	تولید روغن موتور
توزیع مواد نفتی در جنوب و شرق آفریقا	۱۹۲۸	مختلط نفت
توزیع نفت در اسکاتلند	۱۹۳۱	اسکاتیش اولبروشل بکس
انبار و توزیع نفت در عراق	۱۹۳۲	نفت راندین
استخراج نفت در ایران	۱۹۳۴	نفت کرمانشاه
استخراج و تصفیه نفت در کویت	۱۹۳۴	نفت کویت
تصفیه نفت در حیفنا	۱۹۳۶	مختلط تصفیه خانهها
اکتشاف و استخراج نفت در تری نیداد	۱۹۳۶	نفت شمال تری نیداد

۵۰ درصد منتهای یک سهم یک لیوه
صد در صد

صد درصد
>

صد درصد
>

>
>

۳۳ و یک سوم درصد

۲۳ و یک دوم در صد

>> ۹۱۵۰۰۰
>> ۴۸۵۰۰۰
>> ۹۹۹۹۱۰۰
>> ۹۳۰۱۰۰
>> ۱۵۰۰۰۰
>> ۲۳۰۰۰۰
>> ۱۶۲۰۱۰۰
۱۰۰۰۰۰۰

صد در صد
۲۳ و یک دوم در صد

۴۹ در صد
صد در صد
>> ۲۰۰۰۰۰
>> ۱۰۰۰۰۰
>> ۵۰۰۰۰۰
>> ۲۵۰۰۰۰
۵۰۰۰
لیره انگلیسی
لیره انگلیسی

صد در صد
۶۰ در صد
۲۳ و یک دوم در صد
صد در صد

>> ۱۵۰۰۰۰
>> ۹۰۰۰
>> ۱۰۰۰۰۰۰
>> ۶۳۰۰۰
>> ۲۰۰۰۰
>> ۱۰۰۰۰۰
۱۵۰۰۰۰
لیره فیثی

۱۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی

استخراج نفت در عراق

استخراج نفت در عراق

استخراج نفت در سوریه

استخراج نفت در قطر

استخراج نفت در ماعازدن

استخراج نفت در عمان

استخراج نفت در قبرس

استخراج نفت در فلسطین

استخراج نفت در کینه جدید

توزیع مشتقات مواد نفتی

استخراج نفت در لبنان

ورود و توزیع نفت در زلانده جدید

توزیع مواد نفتی در چین

توزیع و تصفیه مواد نفتی

در پاکستان

تیمه مواد شیمیایی جهت تصفیه نفت در اسکاتلند

توزیع نفت در عمان

حمل و نقل مواد نفتی در خاور نزدیک

استخراج نفت در ماعازدن

توزیع مواد نفتی تصفیه نفت

تصفیه محاسبه در کنار میدان اهدان خواهد شد

ورود و توزیع نفت در جنوب غربی

اقیانوس آرام

۹۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی

واردات و توزیع مواد نفتی در الجزایر

۱۹۴۸

نفت مورسل

نفت بصره

نفت سوریه

نفت قطر

سواحل جنوب خلیج فارس

نفت عمان

نفت قبرس

نفت فلسطین

نفت استرالی

ایران و قبرس

نفت لبنان

نفت زلانده جدید

نفت انگلیس و ایران در چین

نفت انگلیس و ایران

در پاکستان

شیمیایی نفت

نفت انگلیس و ایران در عمان

لوله نفت خاور نزدیک

نفت ماعازدن

نفت انگلیس و ایران در عمان

تصفیه خانه های دریایی

نفت زلانده جدید جنوب

غربی اقیانوس آرام

نفت الجزیره

اینک که وضع فعلی تاسیسات و تشکیلات شرکت سابق بوسیله جدول فوق روشن گردید لازم است تاریخچه حقوق ایران در این تشکیلات را بطور خلاصه یادآور شوم .

بموجب امتیازداری (که بنظر دولت ایران هیچوقت شرکت سابق مواد آن را بطور صحیح اجرا ننموده) دولت ایران دارای دو حق مهم نسبت باین تاسیسات و تشکیلات بوده است.

الف - شانزده در صد از در آمد و بزه این تشکیلات باید عاید دولت

ایران میشد

ب - در خاتمه امتیاز (بعقیده دولت ایران) علاوه بر تاسیسات داخل ایران کلیه تاسیسات خارج از ایران نیز بایستی بمالکیت دولت ایران در می آمد .

در تمام مدت امتیاز داری شرکت سابق داها کوشش داشت حساب تاسیسات و تشکیلات خارج از ایران را از حساب تشکیلات واقع در داخل ایران مجزی نموده و فقط شانزده درصد عملیات واقع در داخل ایران را بدولت ایران پرداخت کند و این امر اساس اختلاف بین دولت ایران و شرکت سابق در تمام مدت اجرای امتیاز داری بود استخدام ارمیتاژ اسمیت انگلیسی و مامور نمودن او بلندن برای مذاکره با شرکت نفت برای حل همین موضوع بود و این ماموریت منتهی بعقد قراردادی بین مامور مزبور و هیئت مدیره شرکت سابق گردید که چون بموجب آن قسمتی از منافع شرکت های خارج از ایران مجزی شده بود مورد قبول دولت ایران قرار نگرفت و بالاخره این اختلاف منجر بالفای امتیازداری گردید .

پس از الفای امتیازداری دولت ایران که با اهمیت تاسیسات خارج از ایران بی برده بود و بعلاوه مایل بود در مدیریت شرکت سهمی داشته باشد ۲۵ درصد سهام شرکت سابق را تقاضا نمود ولی شرکت سابق با واگذاری سهام بدولت ایران ودخالت دولت ایران در مدیریت شرکت موافقت نمود و در نتیجه بموجب قرارداد غیر نافذ ۱۹۳۳ موافقت نمود که بیست در صد سود سهام را بدولت ایران پرداخت نماید

البته این ۲۰ درصد مربوط به سود کلیه این تاسیسات اعم از داخل یا خارج از ایران بود منتهی شرکت سابق بخصوص در سنوات اخیر قسمت عمده این سود را بطور مالیات بدولت انگلستان پرداخته است و یا بندهای مختلفه منظور نموده و بمصرف توسعه تاسیسات و تشکیلات خود در خارج از ایران رسانده است .

حق دیگری که بموجب امتیازداری در پایان مدت امتیاز برای دولت ایران نسبت باین تاسیسات در خارج از ایران وجود داشت در قرارداد غیر نافذ ۱۹۳۳ منحصر بتاسیسات واقع در داخل خاک ایران شده است
از شرح فوق کاملاً واضحست که بهر حال ۲۰ درصد سود و بزه این تاسیسات و همچنین قسمت مهمی از ارزش کلی آنها متعلق به دولت ایران می باشد.

اگرچه در طرح ۹ ماده راجع با اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در این باب بطور صریح ذکر نشده است ولی اینطور بنظر میرسد که منظور تهیه کنندگان طرح مزبور آن بوده است که در موقع رسیدگی بدعاوی شرکت ودعاوی متقابل دولت این موضوع در نظر گرفته شده و ترتیبی برای حفظ این حقوق داده شود.

بهر حال تا زمانی که چنین ترتیبی داده نشده و شرکت سابق قراردادی برای پرداخت حقوق ایران از سود تاسیسات و تشکیلات خارج از ایران نداده است همانطور که در مقدمه این مقاله تذکر دادم پرداخت ۲۵ درصد بپانک مرضی الطرفین ارفاق زائدی بنظر میرسد

ممکن است بعضی اشخاص که مطالعاتی در امور مالی شرکت سابق نموده اند سود این تاسیسات و تشکیلات خارج از ایران و بالتبع سهم ایران در آنها را ناچیز بشمارند و برای اثبات مدعای خود بتراز نامه های شرکت سابق استناد کنند ولی این امر یعنی ناچیز بودن مبلغی که بعنوان سود شرکت های تابعه در تراز نامه شرکت سابق ذکر شده ناشی از طرز حسابداری خاصی است که شرکت سابق برای تنظیم تراز نامه های شرکت های تابعه اختیار نموده است بدین معنی که قسمت عمده از شرکت های تابعه حساب سود و زیانی بدون سود و زیان تنظیم مینمایند یعنی محصولات خود را بقیمت تمام شده (بدون سود و زیان) بشرکت سابق

می فروشند و کلیه سود آنها در سود شرکت اصلی مستتر میباشد. مثلاً اگر به تراز نامه شرکت نفت کویت که امروز در خاور میانه سومین شرکت استخراج نفت میباشد و بزودی استخراج آن بسالی ۲۰ میلیون تن بالغ خواهد شد نظر افکنیم می بینیم که تراز نامه این شرکت سود و زیانی نشان نمیدهد.

یعنی این شرکت نصف مواد نفتی استخراج شده خود را بقیمت تمام شده بشرکت سابق و نصف دیگر را بشرکت امریکائی می فروشد و تمام سود بیست میلیون نفت در حساب سود و زیان شرکت سابق و شرکت امریکائی که آن را توزیع نموده و در دنیا می فروشد منظور می گردد.

همین طور است شرکت نفت عراق که ۲۳ و نیم درصد استخراج آن متعلق بشرکت سابق است و تولید نفت عراق نیز در آتیه نزدیکی اقل بسالی بیست میلیون تن بالغ خواهد شد.

علاوه بر این ها در عمان و بصره و شبه جزیره قطر در جنوب خلیج فارس شروع با استخراج نفت شده است که ۲۳ و نیم درصد کلیه این محصولات متعلق بشرکت سابق است :

بطوری که در بالا بیان شد این شرکت ها با درآمد نفت ایران بوجود آمده و دولت ایران در آنها سهم مهمی دارا میباشد. همین طور است شرکت حمل و نقل دریائی با اسم بریتیش تنکر که پانی که مقدار تناژ آن بعد از چنگ از نیم میلیون تن بیک میلیون و هفتصد هزار تن

افزایش یافته و امروز بزرگ ترین شرکت حمل و نقل دریائی مواد نفتی محسوب می گردد.

در عرض پنجساله بعد از جنگ بعثت مصرف نبودن در آمد های شرکت سابق در ساختن تصفیه خانه های جدید ظرفیت تصفیه خانه های خارج از ایران (انگلیس و فرانسه و بلژیک و آلمان و اسپانی و ایتالیا) از بیست میلیون تن در سال به چهل میلیون تن در سال افزایش یافته است و تا دو سال دیگر به ۶۲ میلیون تن بالغ خواهد گردید.

اگرچه بعثتی که در بالا بیان شد با ترازنامه های موجود محاسبه دقیق سود تاسیسات و تشکیلات خارج از ایران با آسانی میسر نیست ولی نمی توان تردیدی داشت که این تاسیسات و تشکیلات دارای سود هنگفتی بوده و در آتیه با توسعه شرکت های استخراج و تمام تصفیه خانه های جدید سود آن به مراتب از سابق بیشتر خواهد بود و حق دولت ایران که طبق قرارداد غیر نافذ ۱۹۳۳ معادل ۲۰ درصد این سود است اگر بیشتر از ۲۵ درصد سود ویژه شرکت ملی نفت ایران نباشد از آن کمتر نیز نخواهد بود و با این ترتیب واضح می گردد که پرداخت ۲۵ درصد از سود ویژه شرکت ملی نفت ایران قبل از این که برای دریافت سهم دولت از تاسیسات خارج از ایران قرار رضایت بخشی داده شود لزومی نداشته و زائدمی باشد.

...

در خاتمه برای اینکه هم میهنان عزیز متوجه اهمیت مبارزه خود بوده و بدانند با چه جانور خونخواری مدت ۵۰ سال طرف بوده اند قسمتی از طرق — چپاول شرکت سابق را که تا بحال توجهی به آنها نشده و البته بایستی هنگام — رسیدگی بحسابها مورد توجه قرار گیرد شرح میدهد:

چپاول

غارت و چپاول شرکت سابق نفت حدود حصری نداشت و برای نشان دادن درجه بی انصافی آن فقط يك قلم چند صد میلیون ریال دزدی که از روی حلب خالی از جیب این مردم فقیر میشد بعنوان نمونه و مدل ذکر میشود .

قبل از توضیح مطلب بالا لازم است گفته شود که شرکت سابق نفت هر سال برای مصارف ریالی خود در ایران احتیاج زیادی بریال داشت و برای تامین ریال مورد احتیاجش ناگزیر بود هر سال مقداری لیره به ایران آورده و تسعیر بریال نماید و البته این عمل برای ایران حکم صادرات نامرئی را داشت و به همین جهت شرکت نفت همیشه سعی مینمود که با تسعیر لیره کلاه سر ایران بگذارد و ریال زیادتری از — بابت هر لیره بدست بیاورد و از راه های مختلف اقدام میکرد مانند تصویب نامه های زمان هژیر و یا موضوع فروش ارز آزاد بجای ها از قرارداد لیره ۲۶۰ ریال از طرف دیگر با گران فروختن مواد نفتی مصرف داخله ایران و با گران حساب کردن کرایه حمل مواد نفتی و یا عومیت و اشاعه دادن مصرف زیاد تر نفت با از بین بردن مصرف زغال سنگ همواره سعی میکرد ریال زیاد تر بدست بیاورد تا مجبور نباشد

گیره زیادی بریال تسعیر نماید و یکی دیگر از طرق عمل دزدی روی حلب خالی بود در سال ۱۹۴۸ بهاء هر حلب بنزین محتوی ۱۸ لیتر بنزین در تمام کشور ۹۸۵ ریال بوده و بهاء هر لیتر بنزین بی ظرف با عوارض و مالیات های دولتی در تمام کشور ۳۹۰ ریال بوده است (اکنون بهاء هر لیتر ۴ ریال می باشد) ولذا بهاء ۱۸ لیتر بنزین عبارت بوده از ۳۹۰ ضرب در ۱۸ یعنی ۷۰۲۰ ریال و تفاوت این مبلغ با قیمت فروش هر حلب که مبلغ ۲۸۳۰ ریال باشد

بهاء يك حلب خالی بود که پای مردم ایران حساب میشده .
درست توجه بفرمائید يك حلب خالی که به تصدیق عموم مهندسين برای خود شرکت سابق با معافیت از کمرک و عوارض بیش از يك ریال تادو ریال تمام نمی شد پای مصرف کننده ایرانی ۲۸۳۰ محسوب میشده .

ضمنا بهاء هر حلب محتوی ۱۸ لیتر نفت در سال ۱۹۴۸ در تمام کشور ۵۹۶۰ ریال بوده و در همان سال ۱۹۴۸ بهاء هر لیتر نفت با عوارض و مالیات های دولتی ۱۷۸۲۵ ریال بوده است ولذا قیمت ۱۸ لیتر نفت بی ظرف حاصل ضرب رقم ۱۸ در ۱۷۸۲۵ ریال یعنی ۳۲۰۸۵ ریال می شده و پس از کسر این مبلغ از بهاء هر حلب نفت قیمت حلب خالی که مبلغ ۲۶ ریال باشد بدست می آید و چنانچه بهاء دو حلب خالی نفت و بنزین را با هم جمع نماییم و تقسیم بر ۲ کنیم رقم متوسط بهاء هر حلب خالی ۲۷۵ ریال حاصل می شود و ضمنا اگر حد اکثر قیمت حقیقی حلب خالی شرکت سابق مبلغ ۲۵۰ ریال در نظر بگیریم معلوم میشود که روی هر حلب خالی شرکت سابق مبلغ ۲۵ ریال از جیب این ملت فقیر می دزدیده .

حالا برویم سر حساب اصلی - به ادعای خود شرکت سابق مصرف مواد نفتی در سال ۱۹۴۹ در ایران يك میلیارد لیتر بوده و از طرف دیگر میدانیم که بغیر از شهرهای بزرگ و شاهراه های عمده نفت و بنزین و گاز اویل و سایر مواد نفتی در تمام کشور و سرحدات با حلب فروخته می شود و اگر نصف مواد نفتی کشور را با حلب در نظر بگیریم لذا نصف يك میلیارد لیتر مواد نفتی یعنی رقم پانصد میلیون لیتر بدست می آید و با تقسیم این رقم بر ۱۸ لیتر محتوی هر حلب مقدار حلب فروخته شده که ۲۷۷۷۷۷۷۷ ریال باشد تعیین میگردد و این رقم تعداد حلب ضرب در ۲۵ ریال در اضافه بهاء دزدی شده روی هر حلب مبلغ ششصد و نود و چهار میلیون ریال که دزدی شرکت سابق وقت از روی بیت خالی است بدست می آید و اگر مصرف مواد نفتی با حلب رادر ایران به جای نصف کامل مصرف فقط یک چهارم در نظر بگیریم طبق محاسبه بالا مبلغ دزدی روی حلب خالی در سال ۱۴۹۸ می شود ۳۴۷ میلیون ریال و اینک این مبلغ دزدی روی حلب خالی را با بودجه کل وزارت کشاورزی در سال ۱۹۴۸ که ۱۵۰ میلیون ریال بوده مقایسه نمایم تا میزان چپاول و دزدی و بی انصافی شرکت سابق بهتر معلوم گردد (دو برابر بودجه يك وزارتخانه از فروش حلب خالی دزدیده میشده)
در تاریخ ۳۰ تیر ماه در روزنامه اطلاعات ضمن خبر های کشور با تیتربزرگ مژده تنزل قیمت نفت و بنزین از اول مراد ۱۳۲۸ داده شده و طبق این تخفیف بهاء هر لیتر بنزین بجای ۹۸۵ ریال مبلغ ۸۶۲۰ ریال تعیین گردید و چون در بهاء

هرلیتر بنزین بی طرف تغییری داده شده لذا تخفیف فقط روی حلب خالی بوده یعنی روی هر حلب خالی مبلغ ۱۲۳۰ دینار تخفیف داده شد و راجع به نفت از بهاء هرلیتر نفت فقط یکشاهی یعنی پنجاه دینار کسر نمودند که روی ۱۸ لیتر نفت محتوی هر حلب میشود ۹۰ دینار و ضمناً از بهاء هر حلب خالی هم مبلغ ۴۶۸۵ ریال تنزل نمود (البته این تخفیفها روی انصاف خودشان بوده)

بآدر نظر گرفتن بهاء متوسط حلب خالی بنزین و نفت بعد از تخفیف معلوم میشود که بجای مبلغ ۲۵ ریال دزدی روی هر حلب خالی از اول مرداد ۱۳۲۸ شرکت سابق روی هر حلب خالی فقط مبلغ ۱۳ ریال میدزدیده و با توجه به ازدیاد مصرف و تعداد حلب مصرف شده باز هم رقم سرسام آور چند صد ملیون ریال بدست می آید.

دزدی شرکت سابق نفت روی کرایه حمل و نقل مواد نفتی (در ایران)

شرکت سابق نفت سعی داشت حتی المقدور مواد نفتی را با کامیون حمل نماید زیرا اولاً از روی کرایه راه آهن دزدی ممکن نبود و ثانیاً برای فلج کردن راه آهن دولتی نمی خواست کرایه زیادی عاید راه آهن گردد.
بنا بر این شرکت سابق مقداری از مواد نفتی را با کامیونهای متفرقه حمل میکرد و مقدار زیاد ترش را هم با کامیونهای خود شرکت حمل مینمود و کرایه ای را که بصاحبان کامیونهای متفرقه می پرداخت اساس محاسبه کرایه حمل و نقل مواد نفتی قرار میداد

در حالیکه صاحبان کامیونهای متفرقه حقوق و عوارض گمرکی و بهای گواهی نامه ارزی را بابت هر کامیون مجبور بودند پردازند

ولی کامیونهای خود شرکت بدون پرداخت هیچگونه حقوق و عوارض وارد میشد و نکته مهمتر آنکه صاحبان کامیونهای متفرقه بهاء بنزین و گازوئیل مصرفی کامیونهاشان را می پرداختند و کامیونهای شرکت دیناری بابت سوخت خرج نداشتند و بدین ترتیب با هم شرکت نفت هر سال ملیونها ریال از جیب ملت ایران میدزدید.
هم میهنان عزیز - بحمداله دفع شر این شرکت استعماری دزد از سر ملر ایران گردید و خدای نا کرده اگر تمام معادن نفت ایران هم عاقل و باطل بنامند باز هم خلع ید و برچیده شدن اساس شرکت سابق از ایران نتیجه به نفع ایران است و چون خوشبختانه نفت ایران مورد احتیاج مبرم دیناست لذا آتیه درخشان و بزرگی را ملت ایران بعون الله تعالی در پیش دارد

جاوید باد ایران - محمود والا نژاد